

جلسه ۲۰۵ (د) ۹۰/۱/۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۴): إذا ثبت رؤيته في بلد آخر و لم يثبت في بلده فإن كانا متقاربين كفي و إلا فلا إلا إذا علم توافق أفقهما وإن كانا متباعدين .

صاحب عروه همانطور که در این مسئله بیان کرده اند در بحث رؤیت هلال وحدت افق را شرط می دانند . بحث مطرح شده در این مسئله ارتباط زیادی با علم هیئت دارد ، ما باید توجه داشته باشیم که همه علوم نسبت به ما در یک درجه قرار ندارند فلذا حضرت امیر(ع) در این رابطه می فرمایند : « العلوم أربعة : الفقه للأديان و الطب للأبدان و النجوم لمعرفة الأزمان و النحو للسان » ، خلاصه اینکه بحث ما با علم هیئت مرتبط می باشد و اگر کسی از علم هیئت چیزی نداند نمی تواند به درستی این بحث را درک کند خصوصاً آن جایی که صحبت از توافق و تخالف در افق شده است که خوب این توافق و تخالف در افق همانطور که قبلاً عرض کردیم با در نظر گرفتن طول و عرض جغرافیایی بلاد که یکی از مباحث علم هیئت است معلوم می شود که ما در اول بحث صوم مفصلاً در این رابطه بحث کردیم و دیگر نیاز به تکرار آن مباحث نیست ، فقط به عرضتان می رسانیم که یک کتاب بسیار عالی و مفیدی در زمینه علم هیئت وجود دارد به نام تحفة الأجلة في معرفة القبلة نوشته سردار کابلی (علامه طباطبائی (ره) نیز در تفسیر المیزان از این کتاب به بزرگی یاد کرده اند) که شما بزرگواران این

کتاب را تهیه و مطالعه کنید چرا که بسیار کتاب مفیدی در زمینه علم هیئت می باشد ، خلاصه اینکه ما برای فهم بهتر مسائل فقهی که با علم هیئت مرتبط هستند باید علم هیئت را بیاموزیم و از قدیم الأيام نیز تدریس و یادگیری علم هیئت در حوزه های علمیه و در بین طلاب مرسوم بوده است حتی بزرگانی مثل صاحب جواهر و صاحب ریاض نیز در مباحث فقهیشان وقتی به مسائل مرتبط با علم هیئت رسیده اند به خوبی آن مسائل را مورد بحث قرار داده اند .

خوب و اما در ذیل این مسئله ۴ مراجع عظام واعلام حواشی دارند که خدمتتان عرض می شود ، آقای خوئی فرموده اند ؛ لا یبعد الکفاية مطلقاً یعنی ایشان برخلاف صاحب عروه مسئله وحدت افق را شرط نمی دانند بلکه قائلند تمام نقطه هایی که در شب بودن با هم مشترکند هنگام رؤیت هلال در اول ماه بودن نیز با هم مشترکند و بنده نیز همین نظر را دارم که در حاشیه عروه بیان کرده ام . خوب اما حضرت امام (ره) و آقای بروجردی در اینجا حاشیه ندارند یعنی همان نظر صاحب عروه که قائل به وحدت افق است را قبول کرده اند . آقای اراکی فرموده اند ؛ أو كان بلد الرؤية شرقياً بالنسبة إلى البلد ، ایشان اینطور تفصیل می دهند که اگر شهری که ماه در آن رؤیت شده شرقی باشد برای غربی ها کافی است ولی اگر غربی ها ببینند برای شرقی ها کافی نیست مثلاً اگر در ایران ماه رؤیت شود برای مصر کافی است زیرا ایران بالنسبه به مصر شرقی می باشد ولی اگر در مصر که غربی تر است دیده شود برای ما که در ایران هستیم حجت نمی باشد و علت این حکم هم این است که حرکت ماه از غرب به شرق می باشد لذا در بلاد شرقی

« وعنه عن القاسم عن أبان عن عبد الرحمن بن أبي عبدالله قال : سألت أبا عبدالله (ع) عن هلال شهر رمضان يغم علينا في تسع وعشرين من شعبان؟ قال : لا تصم إلا أن تراه فإن شهد أهل بلد آخر فاقضه ». در این خبر و اخبار دیگری که در این رابطه داریم به طور مطلق گفته شده که اگر اشخاصی از اهالی امصار و شهرهای دیگر آمدند و گفتند ماه را دیده ایم باید روزه را قضا کنید و دیگر هیچ بحثی از وحدت افق و اختلاف افق نشده در حالی که اگر وحدت افق و اختلاف آن مؤثر بود حتماً امام (ع) باید به آن اشاره می کردند در حالی که هیچگونه اشاره ای در این روایات به این بحث نشده است ، بقیه بحث بماند برای فردا...

والحمد لله رب العالمين أولاً و آخراً و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

نسبت به بلاد غربی همان طور که طلوع و غروب و نصف شب زودتر محقق می شود رؤیت هلال نیز زودتر محقق می شود ، آقای گلیپگانی و آقای میلانی نیز در حاشیه عروة اول چنین تفصیلی را قائل شده اند ولی بعداً می فرمایند که أقوى این است که مطلقاً کافی می باشد ، خلاصه اینکه این بحث بسیار مهمی می باشد که اگر خوب بحث شود و مسائلش معلوم شود إنشاء الله در آینده همه یک نظر واحد پیدا خواهند کرد و آن اینکه تشکل ماه به شکل هلال برای تمامی نقاطی که در شب با هم مشترکند ثابت خواهد بود زیرا این تشکل ماه به شکل هلال یک امر واقعی سماوی غیر قابل تغییر است که برای همه یکی و برابر می باشد . خوب این بحث اختلاف و اتفاق افق در میان عامه نیز اختلافی می باشد و در بین ما تا زمان شیخ طوسی اتفاق نظر وجود داشت ولی برای اولین بار شیخ در مبسوط بحث وحدت افق و اختلاف افق را مطرح کرد و بعد محقق نیز در سه کتاب شرایع و معتبر و مختصر مثل شیخ قائل به تأثیر وحدت افق در رؤیت هلال شده است و اما علامه در تذکره مثل شیخ قائل به تأثیر وحدت افق شده ولی در منتهی فرموده وقتی در یک جا ماه رؤیت شد در بقیه جاها نیز اول ماه می باشد .

خوب و اما عمده دلیل ما روایاتی است که از اهل بیت (ع) به ما رسیده که ما با توجه به آنها می گوئیم که اگر در یک نقطه ای ماه رؤیت شد در کلیه نقاطی که در شب باهم مشترکند اول ماه می باشد ، شش خبر در وسائل الشیعه ذکر شده که بر مانحن فیه دلالت دارند ، اول صحیحه عبدالرحمن بن حجاج است که خبر ۹ از باب ۳ از ابواب احکام شهر رمضان می باشد ، خبر این است :